



امری که مورد استقبال جمهوری اسلامی ایران نیز بوده و طرفین در این روند حرکت می کنند. در واقع برجام نقشه راه و راهبرد اجرایی اتحادیه اروپایی در تدوین و اجرای مناسبات جدید این اتحادیه و ۲۸ کشور عضو آن برای تنظیم روابط و همکاری ها با جمهوری اسلامی ایران است و شرایط کنونی منطقه نیز در تمایل زیاد اروپا به نزدیک شدن به ایران را بیشتر نموده است چرا که کشورهای اروپایی در مجاورت منطقه ژئوپلیتیکی خاور میانه قرار دارند و هرگونه بحران و نابسامانی در منطقه در وضعیت، ثبات و امنیت آنها تأثیر گذار است. افزایش حضور گرایشات سلفی، تکفیری و قدرت یابی گروه های تروریستی مثل داعش، القاعده، النصره و... در منطقه باعث نگرانی کشورهای منطقه و اروپایی شده و لذا رابرتی با کشورهای قدرتمندی چون ایران که از جایگاه و نفوذ بسیار بالایی در منطقه برخوردار است، مورد توجه اتحادیه اروپایی و اعضای آن می باشد و ماطی دو سال اخیر شاهد گفت و گوها و رابرتی های سطح بالایی بین طرفین بوده ایم. ایران همواره خواهان این بوده که اروپا روابطی کاملاً مستقل از آمریکا با ایران داشته باشد. در حالی که وابستگی متقابل اروپا و آمریکا بسیار عمیق و وسیع است؛ اما در شرایط فعلی جهانی که اختلافات سنتی اروپا و ایران دچار تحولات مهمی شده؛ از این روشانس برقراری روابطی نو فراهم شده است. در واقع منافع طرفینی (به طور مثال تروریسم، داعش، القاعده، جبهه النصره یا جبهه الشام، تهدید مشترک هستند و از طرفی ایران در خط مقدم مبارزه با داعش عمل می کند و در سوریه، عراق، افغانستان و یمن نفوذ دارد؛ بنابراین ایران می تواند شریک مهمی برای اروپا در بحران هایی چون تروریسم، مهاجرین و اقتصاد به هم ریخته منطقه باشد) مهم ترین الزامات بهبود و گسترش رابطه با اروپایی ها بوده

برجام به گونه ای نشان از تداوم سیاست های آمریکا در منطقه و عدم همکاری با سایر بازیگران منطقه ای برای حل بحران های متعدد خواهد بود و تنش در روابط ایران و آمریکا به معنای عمق بخشیدن به بحران های منطقه ای است. آن هم در شرایطی که امروزه آمریکا بیش از هر کشور دیگری خواهان پایان دادن به بحران سوریه و یمن است.

● **با توجه به همه این شرایط اگر ترامپ بخواهد شعار خود را عملی کند و نیز واقعیت های کنونی داخلی و بین المللی، آیا او خواهد توانست سایر کشورهای را با خود همراه کند؟**  
قطعاً پاسخ منفی است چرا که او قادر به اجماع سازی علیه ایران نخواهد شد و در واقع در قبال ایران و موضوع برجام دوراه در پیش روی دارد؛ یا سیاست انزوا در پیش گیرد و راه خود را از اروپا جدا کند، یا برجام را اجرایی کند. البته ناگفته نماند که توسل به بهانه های جدید از قبیل حمایت از تروریسم (با وجود اینکه اکنون برای اروپا و آمریکا روشن شده که تهدید واقعی و اصلی تروریسم، گروه های تکفیری داعش و القاعده و جبهه النصره و... به عنوان گروه های زائیده کشورهای عرب متحد غرب هستند و ایران در خط مقدم جنگ با این تروریست هاست) و طرح پرونده جدیدی علیه ایران دور از انتظار نیست.

● **قرار گرفتن اروپا در کنار ایران تابع مراعات چه الزاماتی در حوزه مسائل سیاسی و اقتصادی حاکم بر روابط ایران و کشورهای اروپایی خواهد بود و در چه صورتی ممکن است اروپایی ها در دوره ترامپ از ایران فاصله بگیرند؟**

در شرایط کنونی فضای سیاسی گفتمانی جدیدی در روابط جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپایی به وجود آمده است که می توان گفت حداقل طی دهه اخیر بی سابقه بوده است. چرا که برجام توانسته چشم انداز مثبتی را در همه ابعاد سیاسی،

تجاری «شرکت دوسوی اقیانوس آرام» (طرح شده از طرف چین) مؤید همین احتمال است. همچنین با وجود مخالفت آمریکا با تأسیس «بانک توسعه زیرساخت آسیا» به عنوان رقیب بانک جهانی، شاهد آن بودیم که برخی متحدان آمریکا مانند بریتانیا به این بانک پیوستند. این واقعیت ما را به این باور می رساند که در حال حاضر نیز آمریکا به شکل قابل توجهی در جهان منزوی شده است. مضافاً اینکه شعار «آمریکا اول از همه» ی ترامپ، او را در جبهه انزوا طلبان جدید آمریکا قرار می دهد و در تحقق این انزوا بسیار تأثیر گذار خواهد بود. یقیناً این شکاف ها و زاویه گرفتن ترامپ از سیاست های این کشور ها (به طوری که دیگر مثل گذشته با او همراه نخواهند بود) در نهایت کار او را برای اتخاذ تصمیم های دشوار و اقدام به تحرکات تند و تیز در عرصه سیاست خارجی سخت خواهد کرد.

● **جریان حامی برجام در آمریکا از دموکرات ها تا جریان های فکری که در روزهای اخیر با انتشار نامه هایی خطاب به ترامپ برجام را «دارایی استراتژیک و حساس آمریکا» دانسته اند، تا چه حد می توانند در تصمیمات آتی ترامپ تأثیر بگذارند؟**

در واقع باید بگوییم که مخالفت با سیاست نقض برجام ترامپ در قالب ها و زبان های مختلفی بیان و اظهار گردیده است. یکی از این موارد همان طور که اشاره کردیم اقدام ۳۷ دانشمند آمریکایی است که برخی از آنها مشاوران علمی کاخ سفید بوده اند. این در حالی است که رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) هم پاره کردن توافق آتمی با ایران را «نهایت حماقت» و چشمپوشی از آن را «بسیار خطرناک» توصیف کرد. اما در خصوص تأثیر یا عدم تأثیر این جریانات موافق برجام بر سیاست ضد برجام ترامپ لازم است نگاهی به تأثیر نهاد های غیر حکومتی بر سیاست خارجی آمریکا داشته باشیم. این یک واقعیتی هست که سازمان ها و نهادهای غیر حکومتی نیز تأثیر بسیاری بر روند شکل گیری و اجرای سیاست خارجی دارند. چنین است که می بینیم بسیاری از کشورهایی که حتی روابط دوستانه نزدیک با حکومت آمریکا دارند و از متحدین سیاسی و نظامی آن به شمار می روند، تلاش می کنند خواسته ها و اهداف خود را به منظور تأثیر گذاری به سیاست خارجی آمریکا از طریق گروه های فشار نیز دنبال کنند. زیراسیاست خارجی از جنبه داخلی آن مستلزم یک سلسله سازش و انطباق میان عوامل گوناگون حکومتی و غیر حکومتی است. بنابراین در کنار گروه های قومی و ملی، گروه های اقتصادی یا گروه های حقوق بشری، سازمان های روشنفکری و پژوهشی که معمولاً برای اقتناع ایدئولوژیک تلاش می کنند؛ باید به حکومت های محلی، گروه های وابسته به رسانه های گروهی به عنوان عوامل غیر حکومتی مؤثر در سیاست خارجی آمریکا توجه کرد. افکار عمومی آمریکا نیز به دو دسته توده و نخبگان تقسیم می شود. برخلاف تصور غالب، افکار عمومی نخبگان تأثیر بسیاری بر تصمیم های سیاست خارجی و بر افکار عمومی توده ها دارد و با توجه به این توضیحات می توان انتظار داشت که جریان حامی برجام در آمریکا از دموکرات ها تا جریان های فکری که در روزهای اخیر با انتشار نامه هایی خطاب به ترامپ برجام را «دارایی استراتژیک و حساس آمریکا» دانسته اند، در حد خود می توانند در تصمیمات آتی ترامپ تأثیر بگذارند.

واضح است که چه در کشورهای دموکراتیک و چه در کشورهای که به شیوه توتالیتر اداره می شوند، هیچ برنامه سیاست خارجی بدون حمایت افکار عمومی موفق نخواهد شد. در ایالات متحده آمریکا نیز افکار عمومی تأثیر بسزایی در سیاست خارجی دارد و سابقه تاریخی آن را می توان در تأثیر فشار افکار عمومی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بر دولت نیکسون مشاهده کرد. مخالفت ها با جنگ ویتنام، دولت نیکسون را مجبور به فراخواندن نیروهای آمریکایی از ویتنام کرد. این عنصر تأثیرات نه چندان آشکار نیز در بر دارد. چنان که در بسیاری موارد فشار افکار عمومی در موضع گیری ها و نظرات اعضای کنگره تجلی می یابد، بدون اینکه در سطح جامعه یا رسانه های گروهی بازتاب یابد.

● **پیامدهای منطقه ای نقض احتمالی برجام از سوی آمریکا چه خواهد بود؟**

پیامدهای منطقه ای نقض برجام از سوی آمریکا نیز بسیار مهم است به طوری که این اقدام موجب کان لم یکن شدن همکاری بین ایران و آمریکا در موضوعات و بحران های منطقه ای (همچون سوریه و یمن) خواهد گردید. چرا که آمریکا بخوبی به این امر پی برده که حل بحرانی همچون سوریه بدون همراهی ایران نمی تواند مؤثر ثمر باشد و نقض



امریکا بخوبی به این امر پی برده که حل بحرانی همچون سوریه بدون همراهی ایران نمی تواند مؤثر ثمر باشد و نقض برجام به گونه ای نشان از تداوم سیاست های آمریکا در منطقه و عدم همکاری با سایر بازیگران منطقه ای برای حل بحران های متعدد خواهد بود



است. روابط با ایران همیشه برای اروپا مهم بوده است و در شرایط فعلی هم مهم تر شده چون وضع منطقه به هم ریخته، متحدین غرب یا سقوط کرده یا آسیب پذیرند. اما لازم به ذکر است که یکی از عوامل فاصله گرفتن اروپا از ایران به وجود آمدن تنش در روابط ایران و آمریکا است. چرا که هرگاه اروپا مجبور شود بین ایران و آمریکاییکی را انتخاب کند، در انتخاب آمریکا درنگ نخواهد کرد؛ بنابراین تنش و تنش در روابط با آمریکا، سم روابط ایران و اروپا است.

● **تیم ترامپ و چهره های انتخاب شده برای مناصب اجرایی و امنیتی دولت آتی آمریکا را از منظر تأثیری که می توانند بر روند اجرای برجام و نیز ترک افتادن بر دیوار حائل در روابط ایران و آمریکا داشته باشند چگونه ارزیابی می کنید؟**

از بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تاکنون کابینه فعلی انتخابی ترامپ متشکل از ضد ایرانی ترین سیاستمداران آمریکاست. برخلاف ترامپ، تیم او با تجربه است. افرادی که بعضاً تفکرات نومحافظه کاری دارند. در مورد اینکه مدل رابطه ترامپ با تیمش چگونه خواهد بود نیز باید بگوییم برخی مدل بوش پسر را مطرح می کنند که او حتی نیویورک تایمز نمی خواند و دیپد چکنی، او را اداره می کرد. مدل دیگر، مدل ریگان است که به مرور خود را بر مجموعه نظام اداری تحمیل کرد. البته با تپ شخصیتی که ترامپ دارد، بعید به نظر می رسد که از سوی دیگران اداره شود؛

اقتصادی و اجتماعی کشور رقم بزند. این در حالی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط اروپا و ایران هیچ گاه یک روابط با ثبات و جامع نبوده است. این روابط عمدتاً روابط بازرگانی صرف بوده است که آن هم به خاطر تحریم ها، بسیار شکننده بوده است. برجام اولین توافق بزرگ ایران و اروپا است که احتمال تحول مهم در روابط اقتصادی را کلید زده و ظرفیت روابطی پایدار و همه جانبه بین ایران و اروپا را ایجاد کرده است. مضافاً اینکه این اتحادیه نقش بسیار مهم و تأثیر گذاری در روند حل و فصل پرونده هسته ای ایران داشته و این نقش همچنان ادامه دارد. ما امروز وارد فاز توسعه و ارتقای روابط با کشورهای اروپایی شده ایم. دیدگاه جدید اتحادیه اروپا در تنظیم روابط با جمهوری اسلامی ایران می تواند روابط فیما بین را به میزان زیادی در آینده متحول کند. در این میان اجرای شدن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) جایگاه خاص و کلیدی در هرگونه مناسبات اتحادیه با ایران در چشم انداز آینده دارد و می تواند به منزله نقشه راه آینده مناسبات طرفین نقش آفرینی کند. اتحادیه و کشورهای عضو آن توجه ویژه ای به اجرایی شدن برجام دارند و آن را به نوعی مکانیزم واسطه سازی مناسبات آینده خود با ایران می دانند. اتحادیه اروپا به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته ای و اجرای برجام را به عنوان یک راهبرد یا مکانیسمی برای بهبود روابط خود با ایران به نوعی موفقیت سیاست خارجی و امنیتی مشترک خود می داند و لذا خواهان افزایش تعامل، گفت و گو و همکاری ها با ایران می باشد.